



مقایسه منطقه گرایی در آسه آن و اتحادیه عرب

مقاله پژوهشی

الهه کولایی، استاد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
احمد رضانی، دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

پذیرش: ۱۴۰۰-۰۵-۰۴

دریافت: ۱۴۰۰-۰۲-۲۲

صص: ۶۵-۹۰

چکیده

دو سازمان آسه آن و اتحادیه عرب تقریباً تاریخ مشابهی از نظر استعمار و به دست آوردن استقلال داشته‌اند. با این حال پس از شکل‌گیری، تجربه‌های متفاوتی را پشت سر گذاشته و وضعیت کنونی آن‌ها بسیار با یکدیگر متفاوت است. پرسش اصلی این نوشتار این است که چرا منطقه‌گرایی آسه آن نسبت به اتحادیه عرب موفق‌تر عمل کرده است؟ در این مقاله با گردآوری مطالب به شیوه اسنادی و با کاربست روش ترکیبی کیفی و تحلیلی با رویکرد مقایسه‌ای استدلال می‌کنیم که به این چند دلیل آسه آن نسبت به اتحادیه عرب موفق‌تر عمل کرده است: ۱. وابستگی متقابل اندک اعضای اتحادیه عرب و وابستگی متقابل نسبی کشورهای آسه آن؛ ۲. بازی با حاصل جمع صفر در اتحادیه عرب و بازی با حاصل جمع مثبت/مضاعف در میان اعضای آسه آن؛ ۳. برخی ارزش‌های مشترک مانند اصل مداخله‌نکردن، یک واکنش که در آسه آن به نسبت نهادینه شده است و بهره‌برداری نکردن از ارزش‌های مشترک در میان کشورهای اتحادیه عرب. به این دلایل از تجربه آسه آن با موفقیت نسبی و از تجربه اتحادیه عرب با عنوان ناموفق و ناکارآمد یاد می‌شود. **کلیدواژه‌ها:** اتحادیه عرب، ارزش‌های مشترک، آسه آن، دستاوردهای مطلق، دستاوردهای نسبی، وابستگی متقابل.



منطقه و منطقه‌گرایی واژه‌هایی هستند که به‌صورت ویژه بعد از جنگ جهانی دوم بر اهمیت آن‌ها افزوده شد. این تاریخ نقطه عطفی در این حوزه محسوب می‌شود. پس از جنگ جهانی دوم و استقلال بسیاری کشورها از سلطه استعمار، منطقه‌گرایی به تدریج در نقاط مختلف جهان از جمله آسیا رشد کرد و طرح‌های گوناگونی در حوزه‌های مختلف منطقه‌ای در دوره‌های زمانی متفاوت ایجاد شدند. کشورهای مختلف با این استدلال که نزدیکی آن‌ها می‌تواند منافع بیشتری را به ارمغان آورد به‌سوی منطقه‌گرایی حرکت کردند. جهان عرب و جنوب شرق آسیا از این مسیر جدا نبودند. این موضوع بنیان‌های دو سازمان اتحادیه عرب و آسه‌آن را به ترتیب در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۶۰ بنا نهاد. دو سازمان آسه‌آن و اتحادیه عرب تجربه‌های مشابه و در همان حال متفاوتی را پشت سر گذاشتند، به‌گونه‌ای که می‌توان آسیایی، در حال توسعه، استعمارشده و تا حدودی دوره زمانی به‌دست آوردن استقلال را به‌عنوان وجوه تشابه آن‌ها در نظر گرفت. با این حال، اتحادیه عرب و آسه‌آن گرچه به‌صورت واکنشی در مقابل تهدید خارجی شکل گرفتند، روند درون منطقه‌ای متفاوتی را تجربه کرده‌اند. وضعیت کنونی منطقه‌گرایی این دو سازمان به‌گونه‌ای است که می‌توان تجربه آن‌ها را از یکدیگر جدا و بسیار متفاوت دانست. این موضوع به‌گونه‌ای است که بیشتر پژوهشگران، عملکرد اتحادیه عرب را ضعیف و ناکارآمد و عملکرد آسه‌آن را خوب و همراه با موفقیت نسبی ارزیابی می‌کنند.

پرسش اصلی این نوشتار این است که چرا آسه‌آن نسبت به اتحادیه عرب موفق‌تر عمل کرده است؟ در این مقاله با گردآوری مطالب به شیوه اسنادی و در قالب کاربست روش ترکیبی کمی و کیفی و رویکرد مقایسه‌ای استدلال می‌کنیم که به این چند دلیل اتحادیه عرب نسبت به آسه‌آن ناموفق‌تر عمل کرده است: ۱. وابستگی متقابل اندک اعضای اتحادیه عرب و وابستگی متقابل نسبی کشورهای آسه‌آن؛ ۲. بازی با حاصل جمع صفر در اتحادیه عرب و بازی با حاصل جمع مثبت/مضاعف در میان اعضای آسه‌آن؛ ۳. همچنین برخی ارزش‌های مشترک مانند اصل مداخله‌نکردن و یک واکنش که در آسه‌آن به‌نسبت نهادینه شده است و بهره‌برداری نکردن از ارزش‌های مشترک در میان کشورهای اتحادیه عرب. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد اتحادیه عرب ارزش‌های مشترک فراوان دارد، اما این عامل به‌عنوان زمینه تعمیق منطقه‌گرایی عمل نکرده است. در ادامه ابتدا چارچوب مفهومی مقاله را تشریح و سپس پیشینه پژوهش را بررسی می‌کنیم. در پایان به عملکرد دو سازمان در قالب الگوی پژوهش می‌پردازیم.



چارچوب مفهومی

نظریه‌های مختلف بر مؤلفه‌های مشخصی برای وضعیت منطقه‌گرایی تأکید می‌کنند. برای نمونه، نظریه واقع‌گرایی بر امنیت و توازن قوا به‌عنوان محرک منطقه‌گرایی تمرکز کرده و معتقد است آنچه کشورها را به‌سوی منطقه‌گرایی پیش می‌برد، تأمین امنیت مشترک و برقراری موازنه در برابر دیگران است. نظریه‌های لیبرال بر اقتصاد و منافع مشترک اقتصادی دولت‌ها به‌عنوان عامل منطقه‌گرایی تأکید دارند و معتقدند همکاری‌های منطقه‌ای باید از حوزه اقتصادی به حوزه سیاست و امنیت تسری پیدا کند. نظریه‌های سازه‌انگارانه نیز بر ارزش‌ها و هویت مشترک متمرکز می‌شوند که می‌تواند سبب همگرایی ویژه دولت‌های منطقه‌ای شود.

منطقه‌گرایی را می‌توان با رویکردهای مختلف مانند خارج به داخل و داخل به خارج بررسی کرد. رویکردهای خارج به داخل بر عوامل بیرونی یا ژئوپلیتیک و عوامل نظام‌محور تمرکز دارند. رویکردهای درون به بیرون بر عوامل داخلی و همگرایی فرهنگی متمرکز هستند. برای نمونه، نظریه همگرایی اتریزی (همکاری منطقه‌ای را در قالب متغیرهای فرهنگی مشترک) (Etzioni 1965) و اجتماع امنیتی یکپارچه‌شده/ کثرت‌گرای^۱ دویچ (تعامل‌های فرهنگی می‌تواند به اجتماع امنیتی منجر شود) (Deutsch, 1957) یا اجتماع امنیتی سست پیوند/ سفت پیوند^۲ آدلر و بارنت (Adler & Barnett, 2000) دیدگاهی داخل به خارج دارند. هرکدام از نظریه‌های یادشده به جنبه‌ای از واقعیت می‌پردازند. نمی‌توان گفت این نظریه درست و آن یکی نادرست است. در این پژوهش برای اینکه بتوانیم جامعیت عملکرد منطقه‌گرایی در میان دو سازمان آسه‌آن و اتحادیه عرب را بررسی کنیم، چند مفهوم را از نظریه‌های واقع‌گرایی (دستاوردهای نسبی/بازی با حاصل جمع صفر)، لیبرالیسم (وابستگی متقابل و دستاوردهای مطلق/بازی با حاصل جمع مثبت/مضاعف) و سازه‌انگاری (ارزش مشترک) وام گرفته‌ایم تا بتوانیم تحلیل جامعی ارائه دهیم.

وابستگی متقابل

اندیشمندان مختلف وابستگی متقابل را به‌شکل‌های مختلف تعریف می‌کنند، به‌گونه‌ای که می‌توان به‌وجود حساسیت و آسیب‌پذیری بین دولت‌ها که تغییر در یک طرف آثاری را بر طرف

1. Amalgamated / Pluralistic security communities
2. Loosely/ Tightly security communities



مقابل تحمیل می‌کند (Cooper, 1972: 159) تا پیوند مستقیم و مثبت منافع دولت‌ها به یکدیگر اشاره کرد (Rosecrance et al, 1977: 425). کیوهان و نای نیز وابستگی متقابل را در ساده‌ترین حالت آن «وابستگی دوطرفه» تعریف می‌کنند (Keohane & Nye, 2012: 7). وابستگی متقابل سبب می‌شود دولت‌ها در روابط با طرف‌های دیگر برخی ملاحظات را در نظر بگیرند و تا حدی از تنش‌آفرینی جلوگیری کنند. همین موضوع اعتماد متقابل را افزایش می‌دهد و به وابستگی متقابل عمق می‌بخشد.

دستاوردهای مطلق و نسبی

نواقعی‌گرایی معتقد است دولت‌ها به دنبال دستاورد نسبی (بازی با حاصل جمع صفر) هستند. در حالی که لیبرال‌ها معتقدند دولت‌ها به دنبال دستاورد مطلق (بازی با حاصل جمع مثبت یا مضاعف) هستند (Verbeek, 2011:560). در شرایطی که دولت‌ها منافع مشابه دارند و نمی‌توانند به صورت یک‌جانبه به آن‌ها دست یابند، آن‌ها به همکاری می‌گریند تا بتوانند از راه اقدام دسته‌جمعی منافع خود را به دست آورند (Niemann, 2007:801). در شرایط وابستگی متقابل، دولت‌ها به دنبال سود مطلق و همکاری به واسطه منافع مشترک (Diez & et al: 2011:132) و بیشتر در پی پیشینه‌سازی منافع خود هستند (Keohane, 1984:54). در برابر فرصت‌های محدود برای همکاری موفق میان دولت‌هایی که به دنبال دستاوردهای نسبی هستند، یا دست‌کم برای رویارویی زیان‌های نسبی وجود دارد (Niemann, 2007:802). بر پایه این رویکرد هر دولت به دنبال پیشینه‌سازی سود نسبی خود است و همکاری، بیشتر در حوزه امنیتی و نظامی در این میان امری نه غیرممکن، بلکه بسیار مشکل است.

ارزش مشترک

ارزش‌ها از عناصر تشکیل‌دهنده و تقویت‌کننده پیوندهای دولت‌ها هستند. هیچ تعریف واحد و استاندارد از مفهوم ارزش وجود ندارد. با این حال، ارزش‌ها می‌توانند به عنوان «اصل، استاندارد یا کیفیتی با ارزش یا مطلوبیت» تعریف شوند. بنابراین ارزش‌ها در روابط بین‌الملل به احکام وجودی و هنجاری به‌طور معمول پذیرفته شده‌اند. از این‌رو، به قضاوت‌های ارزشمند در مورد مناسب بودن رفتار معین بستگی دارد. با وجود این، آن‌ها عینی نیستند. هنوز هم بیش از هر چیز، ارزش‌ها به جدایی میان اجتماع‌های خاص و نظام‌های بین‌المللی کمک می‌کنند. به‌علاوه ارزش‌ها می‌توانند دلایل قبلی برای انجام اقدام‌های ویژه را تشکیل دهند.



از سوی دیگر، معیار داخلی به نسبت کلی و پایدار در ارزیابی اقدام‌های انجام شده باشند (Czechowska et al., 2019: 137). براساس تصویر ۱، سه مفهوم وابستگی متقابل نسبی، دستاوردهای مطلق و ارزش‌سازی مشترک در آسه‌آن سبب وابستگی متقابل اندک، دستاوردهای نسبی و ارزش‌های مشترک در اتحادیه عرب، موفقیت نسبی آسه‌آن در برابر اتحادیه عرب را به ارمغان آورده است که در بخش بعدی تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

تصویر ۱. مدل مفهومی مقاله



Source: Author

ادبیات پژوهش

آثار متعددی در مورد موضوع این مقاله نوشته شده است. این آثار را می‌توانیم براساس موضوع و شاکله آن به دو دسته تقسیم کنیم:

دسته اول، آثاری که به موضوع مشخص هر یک از دو سازمان آسه‌آن یا اتحادیه عرب اختصاص دارد. مانند فرح داخل‌له (۲۰۱۲) در مقاله «دولت‌های اتحادیه عرب و امنیت منطقه‌ای: به سوی اجتماع امنیتی عرب» معتقد است اتحادیه نتیجه معمایی میان حاکمیت دولت و ملی‌گرایی عرب است که دولت‌های عضو به دلیل تضاد نقش‌ها سازمانی ضعیف را در همین زمینه ایجاد کردند. ماریا دبرا (۲۰۲۰) در مقاله «مشروعیت، بقای رژیم و اتحاد‌های متحول در اتحادیه عرب: تبیین سیاست تحریم در بهار عربی» معتقد است اتحادیه عرب را می‌توان مصداق حمایت منفی از دموکراسی دانست که در آن تحریم‌های منطقه‌ای برای حفظ انتخاب اقتدارگرایانه به کار گرفته می‌شوند. مجید بزرگمهری و توحید صحرائی (۱۳۹۵) در مقاله «مواضع اتحادیه عرب در قبال بهار عربی؛ متعارض و دوگانه» به رفتار متناقض این سازمان در برابر تحولات انقلاب‌های عربی می‌پردازند و موانع اتحادیه برای پیگیری موضع مشخص و برابر را واکاوی می‌کنند. سانای سوزوکی (۲۰۱۹) در مقاله «چرا آسه‌آن مداخله‌گر نیست؟ محدودسازی قدرت دولت



با مداخله نکردن» معتقد است آسه آن این درک مشترک را دارد که مسائل داخلی کشورها باید به صورت داخلی و به وسیله خود آن‌ها مدیریت شود تا از سرریزی آن به دیگر کشورها جلوگیری شود. علی آدمی و رامین بخشی (۱۳۹۲) در مقاله «رویکرد اتحادیه عرب به بحران سوریه» معتقدند تعلیق عضویت سوریه در اتحادیه عرب به دور از ملی‌گرایی عرب و به دلیل ماهیت استبدادی بیشتر دولت‌های اتحادیه عرب، احترام به تصمیم‌های آن به عنوان گامی در راستای دموکراسی بسیار دشوار است. افسانه شریفی و مهدی عابدی (۱۳۸۸) در مقاله «اتحادیه عرب: واکاوی یک ناکامی؛ بررسی موانع درونی و ساختاری همگرایی عربی» معتقدند برخی موانع مانند نداشتن تجربه دموکراتیک و وجود ساختار سیاسی پدرسالارانه مهم‌ترین موانع همگرایی اعضای اتحادیه عرب هستند.

دسته دوم، آثار دو سازمان را با دیگر سازمان‌ها مقایسه می‌کنند. برای نمونه، احمد رضانی و علی صباغیان (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی مقایسه‌ای منطقه‌گرایی در آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس» معتقدند آسه آن از منطقه‌گرایی واقع‌گرایانه به منطقه‌گرایی لیبرال حرکت کرده است و شورای همکاری خلیج فارس همچنان در منطقه‌گرایی واقع‌گرایانه به سر می‌برد و مؤلفه‌هایی از لیبرالیسم را مورد توجه قرار داده است. الیزابت جانسون-نوگیس (۲۰۲۰) در اثر خود «سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه عرب» ترکیب، عملکرد، پویایی داخلی و موضوع‌های اصلی برای این دو سازمان را در چارچوب سازمان ملل تشریح کرده است. آنا یشکه و فلومینا موری (۲۰۱۲) در مقاله «یکپارچگی منطقه‌ای؛ اتحادیه اروپا و جنوب شرق آسیا [آسه آن]» به تطبیق منطقه‌گرایی دو سازمان یادشده می‌پردازند و معتقدند آسه آن در حال الگوبرداری از نهادهای اتحادیه اروپا است. مارتین بک (۲۰۱۵) در مقاله «پایان استثنای منطقه خاورمیانه؟ اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس پس از قیام‌های عربی» معتقد است انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱ حیات تازه‌ای به این دو سازمان منطقه‌ای برای نقش بازی کردن بخشید. مارکو پین فاری (۲۰۰۹) در مقاله «هیچ چیز جز شکست؟ اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس به عنوان واسطی در منازعه‌های خاورمیانه» معتقد است اتحادیه عرب در حوزه بحران‌های منطقه‌ای موفقیتی محدود داشته و شورای همکاری خلیج فارس در این زمینه موفقیتی نداشته است. به صورت خلاصه در رابطه با مقایسه آسه آن با اتحادیه عرب مقاله مشخصی وجود ندارد و چارچوب مفهومی این مقاله نیز نوآوری در تحلیل این دو سازمان محسوب می‌شود.

آسه آن

آسه آن که در سال ۱۹۶۷ با ۵ عضو مؤسس ایجاد شد تا سال ۱۹۹۹، اعضای آن به ۱۰ عضو افزایش یافتند و کشورهای اخیر که اقتصادی سوسیالیستی داشتند با کشورهای با اقتصاد بیشتر لیبرال در یک سازمان قرار گرفتند. همگرایی منطقه‌ای اعضای آسه آن از تجارت ترجیحی آغاز شد و به تدریج به منطقه تجارت آزاد گسترش یافت و نهادهای آن نیز تخصصی تر شدند. به گونه‌ای که سه اجتماع اقتصادی، سیاسی و امنیتی و فرهنگی و اجتماعی عهده‌دار نزدیکی منافع کشورهای عضو شدند. این موضوع سبب شد اندیشمندان مختلف آسه آن را به عنوان نمونه‌ای با موفقیت نسبی مطرح کنند. در ادامه موفقیت نسبی آسه آن را در قالب سه بخش واکاوی می‌کنیم.

وابستگی متقابل نسبی

آسه آن در حال حاضر در مرکز همکاری‌های اقتصادی شرق آسیا به صورت ویژه و آسیا پاسیفیک به صورت عام قرار گرفته است. این سازمان در حال پیشبرد دو طرح توسعه منطقه‌ای یعنی ابتکار برای یکپارچگی آسه آن^۱ و طرح جامع پیوند آسه آن^۲ است (Parks et al. 2018: 2). تولید ناخالص داخلی آسه آن در سال ۲۰۰۰ معادل ۶۱۵ میلیارد دلار بود (ASEAN Secretariat 2018: 27). آسه آن به عنوان پنجمین اقتصاد بزرگ دنیا، ۳،۲ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۹ داشته است که این سازمان و منطقه جنوب شرق آسیا را به یکی از مهم‌ترین گروه‌بندی‌های تجاری جهان تبدیل کرده است (ASEAN Secretariat 2020: 39). سه حوزه اصلی تولید ناخالص داخلی آسه آن، کشاورزی، صنعت و خدمات است که این حوزه‌ها در سال ۲۰۰۰ به ترتیب ۲۱،۳۸، ۳۶،۱۲ و ۴۲،۴۹ درصد ثبت شده است (ASEAN Secretariat 2005: 42). این ارقام در سال ۲۰۱۹ به ترتیب به ۱۰،۲ و ۳۶ و ۵۰،۶ درصد تغییر کرده است که نشان‌دهنده فاصله‌گیری تدریجی آسه آن از حوزه کشاورزی و حرکت به سمت خدمات است (بنگرید به جدول ۱) (ASEAN Secretariat 2020: 43).

1. Initiative for ASEAN Integration (IAI)
2. Master Plan on ASEAN Connectivity (MPAC)



جدول ۱. آمار اقتصادی آسه‌آن

۲۰۱۹	۲۰۰۰	
۳/۲۰۰	۶۱۵	تولید ناخالص داخلی
۱۰/۲	۲۱/۳۸	کشاورزی (درصد)
۳۶	۳۶/۱۲	صنعت (درصد)
۵۰/۶	۴۲/۴۹	خدمات (درصد)
۲۰۱۹	۱۹۹۳	
۶۳۰ (۲۲/۵ درصد)	۸۳ (۱۹/۲ درصد)	تجارت درون منطقه‌ای
۲۰۱۹	۲۰۱۰	
۱۲۵/۳	۸۱/۳	تجارت خدمات درون منطقه‌ای
۲۰۱۹	۲۰۰۰	
۲۲/۴	۱/۲	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی درون منطقه‌ای

Source: ASEAN Secretariat ۲۰۲۰: ۴۳

تجارت درون منطقه‌ای آسه‌آن از ۸۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۳ (ASEAN Secretariat, 2017) به بیش از ۶۳۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است (ASEANStats, 2020). حجم تجارت درون منطقه‌ای آسه‌آن از ۱۲ درصد در دهه ۱۹۷۰ (Hapsari & Mangunsong. 2006: 5) به ۲۲،۵ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است (بنگرید به جدول ۱) (ASEAN Secretariat, 2020: 48-49) و با اینکه فاصله زیادی تا برخی سازمان‌های دیگر مانند اتحادیه اروپا (۶۰ درصد) و نفتا (۴۰ درصد) دارد (UN, 2017: 24,29)، باید واقعیت‌های منطقه یعنی در حال توسعه بودن تقریباً همه کشورهای آن را (البته به استثنا سنگاپور) در نظر گرفت.

کالاهای صادراتی و وارداتی درون منطقه‌ای آسه‌آن، تنها کالاهای خام و رده پایین نیست و بیش از ۲۰ درصد کالاهای مورد مبادله درون منطقه‌ای به کالاهای الکترونیکی اختصاص دارد. حوزه انرژی هسته‌ای نیز بیش از ۱۱ درصد را به خود اختصاص داده است. سوخت نیز جزو کالاهای اصلی مورد مبادله در منطقه محسوب می‌شود، با این حال در مقایسه با دیگر کالاها حجم به نسبت اندکی را شامل می‌شود (ASEAN Secretariat, 2019: 72-73).



تجارت کل خدمات آسه‌آن حوزه دیگری است که در طول چند دهه اخیر رشد کرده و از ۲۵۲،۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ به ۸۴۴،۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رسیده است (ASEAN Secretariat, 2020: 53). تجارت درون منطقه‌ای خدمات از ۸۱،۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۱۲۵،۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رسیده است (ASEANStats, 2020). در دو دهه گذشته، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به آسه‌آن روند رو به رشدی داشته و از ۲۱،۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۱۶۰،۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رسیده است. آمار مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی درون منطقه‌ای نیز از ۱،۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۲۲،۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رسیده و این رقم از نظر درصدی از ۱۰،۴ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۱۳،۹ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است (ASEAN Secretariat, 2020: 56-57). آسه‌آن از نظر وابستگی متقابل به صورت کلی در چند دهه اخیر رشد مناسبی را در حوزه‌های تجارت کالا، خدمات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ثبت کرده است. گرچه آسه‌آن نسبت به دیگر سازمان‌ها و گروه‌بندی‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا و نفتا، کمتر منطقه‌ای شده است، عملکرد مطلوبی را با توجه به محدودیت‌های موجود از خود نشان داده است. به همین ترتیب، نمونه موفق در میان کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود.

دستاوردهای مطلق

آسه‌آن به‌عنوان سازمانی منطقه‌ای که در سال ۱۹۶۷ تأسیس شد، برخی بحران‌ها را پشت سر گذاشته است. به‌دنبال اتحاد ویتنام در سال ۱۹۷۵ و پیروزی‌های بعدی خمرهای سرخ در کامبوج و پات لائو^۱ در لائوس، این منطقه به دو اردوگاه کشورهای کمونیست با عنوان سه دولت هندوچین لائوس، کامبوج، به رهبری ویتنام و کشورهای غیرکمونیست یا مؤسسان آسه‌آن تایلند، اندونزی، مالزی، فیلیپین و سنگاپور تقسیم شد. این موضوع با هجوم ویتنام به کامبوج در سال ۱۹۷۹ اوضاع را وخیم‌تر کرد. گرچه وضعیت عضویت آسه‌آن در آن زمان هنوز تکمیل نشده بود، اقدام آسه‌آن اهمیت دارد و موجبات همبستگی منطقه‌ای در سال‌های آینده را فراهم کرد. تا سال ۱۹۸۹ آسه‌آن از حکومت ائتلافی در تبعید سازمان ملل یعنی کامپوچپای دموکراتیک^۲ حمایت می‌کرد که ضد ویتنام بود. این اقدام به رسمیت‌نیافتن حکومت طرفدار ویتنام در کامبوج منجر شد. این موضوع به مأموریت آسه‌آن در راستای حفظ ثبات منطقه تبدیل

1. Pathet Lao
2. Democratic Kampuchea (DK)



شد (Morada, 2016A: 116-117). نبود اظهار نظر رسمی عمومی در مورد بحران تیمور شرقی نیز نشان بی میلی سنتی آسه آن برای مداخله در مسائل داخلی کشور اندونزی بود. هیچ یک از اعضای آسه آن انتقاد آشکاری نسبت به جاکارتا نداشتند و آسه آن به اینکه تیمور شرقی کاملاً مسئله داخلی مربوط به اندونزی است تا زمان رأی گیری با حمایت سازمان ملل در اوت ۱۹۹۹ پایبند بود (Dupont, 2000: 163).

میانمار در سال ۲۰۱۵ تعداد زیادی از روئینگایی های مسلمان را قتل عام و به ترک محل زندگی خود در ایالت راخین مجبور کرد (Suzuki, 2019). کشورهای آسه آن با اینکه می دانند این موضوع برخلاف برخی اصول آسه آن مانند ترویج دموکراسی است، بر اساس اصل مداخله نکردن در امور این کشور مداخله جدی نکردند و حفظ انسجام درون آسه آن را مهم تر شمردند. همین موضوع سبب می شود چشم انداز همکاری های درون منطقه ای آسه آن به صورت جدی تحت تأثیر سیاست کشورهای عضو قرار نگیرد. با اینکه برخی کشورهای آسه آن مانند اندونزی و مالزی متأثر از سیاست های حکومت میانمار مانند موج مهاجرت روئینگایی ها هستند، به لشکرکشی و صف بندی با دیدگاه ایجاد تنش به این مسئله نگاه نمی کنند. حتی برخی سازوکارها را برای مدیریت این موضوع اندیشیده اند. دیگر کشورهای منطقه نیز با دیدگاهی براساس دستاورد نسبی به رخدادهای منطقه ای نمی نگرند. این موضع که می تواند به صف بندی و یارگیری کشورهای منطقه نسبت به وضعیتی ویژه تعبیر شود، در منطقه آسیای جنوب شرقی چندان اهمیتی ندارد. برخی نسبت به انفعال اعضای آسه آن در رابطه با موضوع های خاص از این سازمان منطقه ای انتقاد می کنند، اما آسه آن ثابت کرده است موضوعات را سیاست زده نمی کند. همین مسئله چشم انداز مدیریت بحران در منطقه را امیدبخش می سازد.

ارزش سازی مشترک

در دوره جنگ هندوچین، فرهنگ دیپلماتیک سازمان به نام «راه آسه آن»^۱ توسعه یافت که مرجع تصمیم گیری مبتنی بر مشورت و هم فکری در میان اعضای آن است. با توجه به تنوع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشورهای عضو آن، «راه آسه آن» به عنوان سازوکار مهمی برای حل اختلاف ها عمل کرده است و آن ها را قادر به مذاکره و دستیابی به موضع مشترک در مورد مسائل حتی با کمترین اشتراک ها می کند (Morada, 2016A: 116-117). با عضویت گسترده ای که در آن زمان همه کشورهای منطقه را شامل می شد، آسه آن در تلاش بود تا چشم انداز خود را



در مورد «آسیای جنوب شرقی واحد» تحقیق بنخشد (Morada, 2016B:14). این سازمان با هدف افزایش همکاری، برخی سازوکارها را تعبیه کرده است. رهبران آسه‌آن در سال ۱۹۷۱ منطقه صلح، آزادی و بی‌طرفی (زوپفان)^۱، در سال ۱۹۷۶ پیمان مودت و همکاری (تاک)^۲ و بالی^۳ را امضا کردند که هنجارهای اساسی مانند حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها، جلوگیری از استفاده یا تهدید به زور در روابط بین‌دولتی و دخالت نکردن در امور داخلی یکدیگر در منطقه را تعیین می‌کرد. دو پیمان اخیر بر امنیت درون منطقه‌ای متمرکز بودند و هدف‌های زوپفان را پوشش می‌دادند (Koga, 2014: 18).

پیمان جنوب شرقی آسیای بدون سلاح هسته‌ای^۴ (پیمان بانکوک) سال ۱۹۹۵، اعلامیه رفتار طرفین در دریای جنوب چین (دوک)^۵ در سال ۲۰۰۲ و منشور ۲۰۰۸ آسه‌آن بر تعهد این نهاد برای ایجاد اجتماعی صلح‌آمیز و مرفه تأکید می‌کند. از سال ۲۰۰۹ این هدف‌ها در قالب نقشه راه اجتماع سیاسی و امنیتی آسه‌آن دنبال می‌شود که در سال ۲۰۱۵ ایجاد شده است. سازوکارهای امنیت‌محور دیگر مانند مجمع منطقه‌ای آسه‌آن، نشست وزیران آسه‌آن در مورد جرائم فراملی، نشست وزیران دفاع و نشست وزیران آسه‌آن در مورد مواد مخدر برای رفع چالش‌های امنیتی و سیاسی موجود ایجاد شده است (ASEAN Secretariat, 2015: 9). برنامه کاری سال ۲۰۲۵ اجتماع اقتصادی آسه‌آن^۶ تلاش‌های بی‌وقفه‌ای را برای افزایش یکپارچگی اقتصادهای عضو آسه‌آن در دستور کار دارد. این طرح شامل تعداد زیادی اقدام با هدف تحقق بخشیدن به اجتماع آسه‌آن برون‌محور و با ویژگی‌های مهم به هم پیوسته و با ویژگی تقویت‌کنندگی متقابل است (Intal&Chen, 2017:36,37; Jetschke&Murray, 2011:177; Kobayashi et al, 2018:1; Dosch, 2017: 31; Jetin & Mikic, 2016: 1). برخی دیگر از ارزش‌های مشترک آسه‌آن که بعد از طوفان نرگس نمایان شد، «یک آسه‌آن، یک واکنش» بود که به تشکیل مرکز هماهنگی آسه‌آن برای کمک‌های بشردوستانه در مدیریت بلافا در سال ۲۰۱۱ منجر شد. در سال ۲۰۱۷، نقش این مرکز گسترش یافت که شامل تلاش‌های هماهنگ با سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی بود که تلاش‌های امدادی را در داخل و خارج از جنوب شرقی آسیا انجام دادند.

1. Zone of Peace, Freedom, and Neutrality (ZOPFAN)
2. Treaty of Amity and Cooperation (TAC)
3. Bali Concord
4. Southeast Asian Nuclear-Weapon-Free Zone Treaty (SEANWFZ)
5. Conducted of Parties in the South China Sea (DOC)
6. 2025 ASEAN Economic Community Blueprint



موارد یادشده تنها بخشی از ابتکارهای فراوان آسه‌آن است که تاکنون اجرایی شده است و آسه‌آن در قالب سه اجتماع، اجتماع اقتصادی آسه‌آن،^۱ اجتماع سیاسی امنیتی آسه‌آن^۲ و اجتماع فرهنگی اجتماعی آسه‌آن^۳ به‌سوی تعمیق ارزش‌های مشترک در میان اعضای خود است. با اینکه جمعیت ۶۵۶ میلیونی جنوب شرقی آسیا از نظر فرهنگ، نژاد و زبان طیف بسیار گسترده و ناهمگونی را در بر می‌گیرد، ارزش‌سازی مشترک آسه‌آن در چند دهه سبب شده است تا حدودی مسائل منطقه‌ای را مدیریت کند و در جهت تقویت آن‌ها گام بردارد.

اتحادیه عرب

اتحادیه عرب که با شش عضو مؤسس در سال ۱۹۴۵ شکل گرفت، به تدریج اعضای آن به ۲۲ کشور، ۱۰ کشور آفریقایی و ۱۲ کشور آسیایی در سال ۱۹۹۳ افزایش یافت. برخی طرح‌های منطقه‌ای مطرح و حتی منطقه تجارت آزاد بین اعضای اتحادیه عرب ایجاد شده است، اما برخی موانع مانند وابستگی متقابل اندک، دستاوردهای نسبی یا اختلاف‌های اعضا و جهت‌گیری متعصبانه در برخی دوره‌ها و بحران‌ها و وجود ارزش‌های مشترک صرف و بهره‌برداری بهینه‌نشده از آن‌ها از منطقه‌گرایی بیشتر جلوگیری کرده است. در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

وابستگی متقابل اندک

در حوزه اقتصادی، کشورهای عرب انگیزه کافی برای یکپارچگی نداشته‌اند. دلیل آن نیز ساختارهای تولید مشابه است که سطح بالایی از حمایت‌گرایی نیز بر آن‌ها حاکم است. یکی از پیامدهای آشکار این وضعیت تجارت در میان کشورهای عرب بوده است (Galal & Hoekman, 2003: 4). روابط اقتصادی کشورهای عرب به‌گونه‌ای است که قوانین مختلفی بر روابط کشورهای متفاوت حاکم بوده و این موضوع مانعی بر سر راه چندجانبه‌گرایی مورد نظر اتحادیه عرب است (Aarts, 2010: 920). وجود تعداد زیادی از موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی دوجانبه در میان کشورهای عرب و نیز کشورهای عرب با دولت‌های ثالث دیگر مناطق جهان مانعی بر سر راه یکپارچگی منطقه‌ای محسوب می‌شود (Maryasis, 2019: 10). تجارت در منطقه عربی به‌طور قابل توجهی

1. ASEAN Economic Community (AEC)
2. ASEAN Political-Security Community (APSC)
3. ASEAN Socio-Cultural Community (ASCC)



تحت تأثیر بازار نفت قرار دارد: صادرات سوخت به طور متوسط ۴۵ درصد از کل صادرات کالا را در مقایسه با متوسط جهانی ۱۲ درصد تشکیل می‌دهد (World Bank, 2020). با وجود اجرای موافقت‌نامه تجارت آزاد پان‌عربی (پافتا)^۱، میزان تجارت کالا در میان کشورهای عربی به نسبت اندک باقی مانده و از ۶ تا ۱۲ درصد از کل تجارت منطقه را در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ به ثبت رسانده است (UN, 2015: 28). با اینکه تجارت درون منطقه‌ای اتحادیه عرب رشد کرده است و از رقم ۶،۵ درصد در دهه ۱۹۸۰ (El-Naggar, 1992: 157) به ۱۳،۷ درصد در سال ۲۰۱۹ رسیده است (UN, 20۲۰: ۲۷) تجارت درون منطقه‌ای این سازمان، حتی نسبت به آسه‌آن که پژوهشگران حجم تجارت درون منطقه‌ای اندک آن را مانعی بر سر راه همکاری بیشتر می‌دانند، بسیار پایین است. این امر از واگرایی اعضا جلوگیری نکرده است و نمی‌تواند به‌عنوان کاتالیزوری تنش‌های موجود را خنثی کند.

دستاوردهای نسبی (بازی با حاصل جمع صفر)

گرچه اتحادیه عرب در واکنش به بازیگران خارجی و سیاست‌های آن‌ها در منطقه منایجاد شد و مسئله فلسطین اولویت اول کشورهای عرب بود (Tripp, 1995)، به تدریج گرایش‌های متفاوت اعضا که می‌توان مهم‌ترین آن را در رهبری جهان عرب خلاصه کرد، آشکار و به مانع اصلی این سازمان در منطقه‌گرایی بیشتر تبدیل شد. موضع اتحادیه عرب در برابر انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۱ نیز متفاوت بود که برخی از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را درگیر ساخت. این سازمان تحولات کشورهایمانند سوریه و لیبی را تأیید می‌کرد و موافق آن‌ها بود. در مقابل با تحولات کشورهایمانند بحرین و یمن مخالف بود و کشورهایمانند عربستان و امارات متحد عربی برای سرکوب اعتراض‌ها در بحرین نیروی نظامی به این کشور فرستادند (Bozorgmehri & Sahrayi, 2016: 124). تنش‌ها به واسطه عوامل مختلف داخلی و خارجی در میان کشورهای عرب بسیار بیشتر بوده است. این موضوع در رخدادهای گوناگون آشکار شده است. در مورد جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس، تهاجم آمریکا به عراق، جنگ داخلی لبنان و سوریه، تجاوز عربستان به یمن، محاصره قطر، بحرین لیبی و مصر، کشورهای عرب به گروه‌هایی تقسیم شدند که هرکدام از موضعی حمایت می‌کردند. برای نمونه، عربستان و امارات در بیشتر موارد در موضعی مشابه در برابر موضع کشوری مانند قطر قرار گرفته و کشوری مانند عمان بیشتر رویکرد بی طرفی داشته‌اند. کشورهای عربی به واسطه رویکرد تمامیت‌خواهانه

1. Pan-Arab Free Trade Agreement (PAFTA)



خود، امکانات همکاری را تضعیف و این موضوع تنش‌های آشکار و پنهان را تشدید کرده است. کشورهای عربی نسبت به دستاورد و منافع کشورهای دیگر حساس هستند و می‌کوشند با کاهش سهم دیگران بر سهم خود بیفزایند. این رویکرد را می‌توان به صورت بازی با حاصل جمع صفر در نظر گرفت که به‌عنوان یکی از موانع اصلی کارآمدی اتحادیه عرب در عملی کردن هدف‌های آن وجود دارد.

ارزش‌های مشترک

۲۲ کشور عرب در اتحادیه عرب حضور دارند. گرچه مذهب‌های دیگری مانند مسیحیت نیز در این کشورها وجود دارند، ۹۰ درصد آن‌ها مسلمان و بیشتر نیز سنی هستند. برخلاف دیگر سازمان‌های منطقه‌ای که براساس جغرافیا تأسیس شده‌اند مانند اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب بر پایه فرهنگی مشترک شکل گرفته است که ریشه در زبان مشترک عربی دارد (Toffolo & Kahn, 2008: 7,13). کشورهای عربی اشتراک‌های دیگری نیز مانند تاریخ و فرهنگ مشترک دارند و برخی از ابتکارها را اجرایی کرده‌اند. اما با توجه به زمینه‌های موجود و بنیان‌های قوی محرک همکاری، نتوانسته‌اند از آن‌ها به‌گونه بهینه استفاده کنند. اتحادیه عرب در سال ۱۹۴۶ پیمان فرهنگی، در سال ۱۹۵۰ پیمان همکاری اقتصادی و دفاع مشترک^۱ در سال ۱۹۵۳ اتحادیه مخابرات عرب، در سال ۱۹۵۴ اتحادیه پستی عرب، در سال ۱۹۵۹ بانک توسعه عرب (سپس به‌عنوان سازمان مالی عرب شناخته شد)، در سال ۱۹۶۴ سازمان آموزشی، فرهنگی و علمی اتحادیه عرب^۲ و در سال ۲۰۰۲ ابتکار صلح عرب^۳ را ایجاد کرد (Fatima, 2007: 2; BBC, 2011). با اینکه اتحادیه عرب سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و مؤلفه‌های مشترک در میان کشورهای این سازمان زیاد هستند، آنچه از عملکرد این نهاد به‌عنوان نتیجه برداشت می‌شود، عملکردی ناموفق بوده است. این موضوع از سوی صاحب‌نظران عرب و غیرعرب پذیرفته می‌شود. برای نمونه، ال‌اف وضعیت اتحادیه عرب را این‌گونه شرح می‌دهد: نشست‌های عربی بیشتر فرصتی برای اثبات این عبارت است که «اعراب موافقت دارند که در همه موارد مخالف هستند» (Allaf, 2008: 2).

صالح معتقد است «بیشتر نشست‌ها با تصویب قطعنامه‌های ضعیف پایان می‌یابند»

1. Joint Defence and Economic Cooperation Treaty
2. Arab League Educational, Cultural and Scientific Organization (ALESCO)
3. Arab Peace Initiative



(Saleh, 2005: 1). به نظر بدوری «تناقض‌ها و اختلاف‌ها، اتحادیه عرب را که قدیمی‌تر از سازمان ملل است، تقریباً از زمان تأسیس آن در سال ۱۹۴۴ اذیت کرده است» (Bhaduri, 2004: 1). میتون می‌نویسد اتحادیه عرب «ثابت کرده در حل بسیاری از مشکلات منطقه در بیشتر از نیم قرن اخیر بسیار ناکارآمد بوده است» (Mayton, 2008: 1). جهاد ودا، دانشمند مشهور عرب و مدیر مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی امارات در ابوظبی، اتحادیه عرب را «ضعیف و چندپاره» توصیف کرده و توانایی آن را برای داشتن نقش چشمگیر بین‌المللی زیر سؤال برده است (McGrath, 2004). به‌صورت کلی اتحادیه عرب نتوانسته از ارزش‌های مشترک در میان اعضای خود به‌صورت مطلوب استفاده کند. همین مسئله منطقه‌گرایی اتحادیه عرب را با چالش‌هایی روبه‌رو ساخته است.

مقایسه آسه‌آن با اتحادیه عرب

منطقه‌گرایی دو سازمان آسه‌آن و اتحادیه عرب را در قالب دو بخش به‌صورت جداگانه بررسی کردیم. برای اینکه مقایسه دو سازمان آشکارتر شود و بهتر بتوان آن را درک کرد، خلاصه‌ای از بحث‌های پیشین را در جدول ۲ می‌آوریم.

جدول ۲. مقایسه منطقه‌گرایی در آسه‌آن و اتحادیه عرب

اتحادیه عرب	آسه‌آن	مفهوم سازمان
اندک	نسبی	وابستگی متقابل
نسبی (صفر)	مطلق (مثبت/مضعف)	دستاورد (بازی با حاصل جمع)
تنها وجود ارزش مشترک	نهادینه‌شدن ارزش‌های مشترک	ارزش
ناکامی	موفقیت نسبی	منطقه‌گرایی

منبع: نویسنده

در حوزه اقتصادی هر دو سازمان منطقه تجارت آزاد تشکیل داده و در قالب افتا و پافتا مبادلات تجاری انجام می‌دهند، اما در سال‌های اخیر حجم مبادلات درون منطقه‌ای آسه‌آن رشدی نداشته است (از نظر درصد) (Kawai, 2005: 31). در مقابل اتحادیه عرب در این حوزه رشد داشته است. حجم تجارت درون منطقه‌ای اتحادیه عرب از میانگین ۸،۱ درصد در سال‌های



۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ به ۱۲ درصد در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ رسیده است. مهم‌ترین موانع افزایش همکاری بین کشورهای عضو نبود زیرساخت ارتباطی و موانع دست‌وپاگیر مرزی است (Harb & Shady, 2016: 4). با این حال در سال ۲۰۱۹ حجم تجارت درون منطقه‌ای آسه‌آن ۲۲،۵ درصد و اتحادیه عرب ۱۳،۷ درصد ثبت شده است که تفاوت چشمگیری را نشان می‌دهد (جدول ۳). می‌توان گفت اعضای آسه‌آن از وابستگی متقابل نسبی برخوردارند، در حالی که اتحادیه عرب از این نظر وابستگی متقابل حداقلی دارند. به دلیل روابط اقتصادی و وابستگی کشورهای عربی به تجارت خارجی فرامنطقه‌ای، این کشورها بیشتر منافع خود را خارج از منطقه دنبال می‌کنند. همین موضوع مانعی بر سر راه تعمیق منطقه‌گرایی محسوب می‌شود.

جدول ۳. تجارت درون منطقه‌ای در سازمان‌ها

منطقه	سال ۱۹۸۰	سال ۲۰۱۹
آسه‌آن	۱۷/۴	۲۲/۵
اتحادیه عرب	۶/۵	۱۳/۷
اتحادیه اروپا	۵۲/۴	۶۰/۸
نفتا	۳۳/۸	۲۹/۵
شورای همکاری خلیج {فارس}	۳	۹/۸

Source: Kawai, 2005: 31; UN, 2020: 22-27; El-Naggar, 1992: 157; UNCTAD, 2003: 55

موضوع دیگر در مورد این دو سازمان، تفاوت اساسی در حوزه سیاست کشورهای عضو است. این مورد در قالب بازی با حاصل جمع مثبت در میان اعضای آسه‌آن و بازی با حاصل جمع صفر بین اعضای اتحادیه عرب تعمیم‌پذیر است. در اتحادیه عرب کشورها معمولاً نسبت به یک موضوع به موافقان، مخالفان و بی طرف‌ها تقسیم می‌شوند. برای نمونه، در مورد ناآرامی‌های انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۱، کشورهایمانند عربستان و امارات با تحولات سوریه و لیبی موافق بودند، اما با تحولات همسایگان خود مانند بحرین و یمن به مخالفت برخاستند. این نوع موضع‌گیری‌ها در اتحادیه عرب در دوره‌های زمانی مختلف وجود داشته است. برای نمونه می‌توان، دیگر تجاوز عراق به کویت را مطرح کرد که مصر و عربستان مخالف آن و عراق، اردن و سوریه موافق آن



بودند. در زمینه فرقه‌گرایی نیز در حالی که عربستان از خلیفه حفتر در لیبی و السیسی در مصر حمایت می‌کند، قطر از نیروهای فجر و گروه انصار الشریعه در لیبی و اخوان المسلمین در مصر جانب‌داری می‌کند. آسه‌آن با پذیرش اصول احترام متقابل و مداخله‌نکردن در امور داخلی کشورهای عضو، بر این مشکل تا حدود زیادی فائق آمده است. این سازمان در مورد یکی از بی‌رحمانه‌ترین اقدام‌های قرن بیست و یکم یعنی نسل‌کشی روهینگیایی‌های میانمار در جهت اصول یادشده سکوت کرده است. البته اقدام یادشده به این دلیل دنبال شده است تا از خروج میانمار از آسه‌آن، افتادن بیشتر در دامان چین و سرایت آن به کشورهای همسایه جلوگیری کند. در حوزه ارزش‌های مشترک، در صورتی که اتحادیه عرب بسیار غنی و منسجم است، مانند زبان عربی و دین اسلام، کشورهای مختلف به دلایل متعدد مانند منافع، داعیه رهبری جهان عرب این ظرفیت را تا حدود بسیار زیادی از بین برده‌اند. در مورد آسه‌آن نیز، این سازمان منطقه‌ای از نظر زبان و دین طیف بسیار متنوعی را در بر می‌گیرد، اما به دنبال ارزش‌سازی به شیوه‌ای مشترک است تا از این راه بتواند بر تنش و شکاف در میان اعضا سرپوش بگذارد. به بیانی، آن‌ها را کاهش دهد. از تفاوت‌های اساسی آسه‌آن و اتحادیه عرب اصل مداخله‌نکردن است. اگر به روابط آن‌ها در چندسال اخیر نگاه کنیم این موضوع را متوجه می‌شویم. میانمار در سال ۲۰۱۵ تعداد زیادی از روهینگیایی‌های مسلمان را قتل‌عام و وادار به ترک محل زندگی خود در ایالت راخین کرد. کشورهای آسه‌آن با اینکه می‌دانند این مسئله برخلاف برخی اصول آسه‌آن است، اما براساس اصل مداخله‌نکردن در امور این کشور دخالت جدی نکردند و حفظ انسجام درون آسه‌آن را مقدم شمردند. در نقطه مقابل قطر قرار دارد که به سبب تنش ایجادشده بر سر برخی سیاست‌های اعلامی و اعمالی آن با دیگر کشورهای عضو به‌ویژه عربستان و امارات به مشکل بر خورده و سبب محاصره و تحریم خود شد. کشورهای عضو اتحادیه عرب براساس اصل درخواست یک کشور عربی مبنی بر دخالت در امور داخلی آن در موردی مانند یمن دخالت کرده و این موضوع چشم‌انداز تفرقه بیشتر میان آن‌ها را رقم زده است. تفاوت آسه‌آن و اتحادیه عرب در این مورد شدت و تعدد مناقشات و اختلافات بوده است.

به صورت کلی نمی‌توان ادعا کرد آسه‌آن در حوزه منطقه‌ای بسیار موفق عمل کرده است و نمی‌توان گفت اتحادیه عرب به صورت کامل ناموفق بوده است. این دو سازمان با وجود برخی شباهت‌ها مانند در حال توسعه بودن اعضا، نداشتن وابستگی متقابل عمیق، بین حکومت‌گرایی و در حال گذار بودن اعضا را دارند، اما تفاوت‌های آن‌ها بسیار بیشتر است. با این حال آسه‌آن توانسته است با زمینه‌های مشترک اندک، نسبت به اتحادیه عرب موفقیتی نسبی به دست آورد.



نتیجه

آسه‌آن و اتحادیه عرب به‌عنوان دو سازمان آسیایی شباهت‌های اندکی دارند، ولی تفاوت‌های آن‌ها آشکارا عمیق‌تر است. این دو سازمان که در دورهٔ پساجنگ جهانی دوم شکل گرفتند، هر کدام طی روند خاصی تحول یافته‌اند. آسه‌آن به دلایلی توانست موفق‌تر از اتحادیه عرب ظاهر شود: نخست، آسه‌آن با تشخیص منافع منطقه در همکاری اقتصادی، به‌صورت تدریجی بر این حوزه تمرکز کرد که این روند وضعیتی از وابستگی متقابل نسبی را ایجاد کرده است؛ دوم، رویکرد بازی با حاصل جمع مثبت و مضاعف در میان اعضای آسه‌آن سبب شده است ده کشور جنوب شرق آسیا بر دستاوردهای مطلق خود تکیه کنند و این رویکرد واگرایی در میان آنان را به پایین‌ترین حد رسانده است؛ سوم، آسه‌آن با اینکه مؤلفه‌های اندکی در حوزه ارزش‌های مشترک دارد، توانسته است با ارزش‌سازی در بخش‌های مختلف سبب همگرایی اعضا شود.

در مقابل اتحادیه عرب به اشکال و دلایل مختلف موفقیت کمتری نسبت به آسه‌آن داشته است: نخست، با اینکه اتحادیه عرب به‌صورت تدریجی به‌سوی همکاری اقتصادی حرکت کرده و آمار تجارت درون منطقه‌ای در میان اعضای آن رشد کرده است، حجم تجارت درون منطقه‌ای این سازمان همچنان بسیار اندک است؛ دوم، حاکم‌بودن رویکرد بازی با حاصل جمع صفر بین اعضای اتحادیه عرب، یکی از مانع‌های اصلی تعمیق همکاری بوده است، به‌گونه‌ای که در رویدادهای گوناگون مانند محاصره قطر، جنگ داخلی سوریه و یمن و حتی لیبی و مصر، اعضای اتحادیه عرب بر دستاوردهای نسبی تکیه کردند. این رفتار مانعی بر سر راه همگرایی اتحادیه عرب بوده است؛ سوم، با اینکه اتحادیه عرب ارزش‌های مشترک بسیاری دارد مانند دین اسلام، زبان عربی و فرهنگ مشترک، از این محرک‌ها بهره‌چندانی نبرده است.

در منطقه جنوب شرق آسیا نیز مانند هلال شیبی خاورمیانه، از مالزی غربی تا جنوب فیلیپین هلال مسلمانان وجود دارد، اما این موضوع در جنوب شرق آسیا به تنش‌های ایدئولوژیک منجر نمی‌شود. همچنین تنش در میان جدایی‌طلبان مانند آنچه و میندانائو با حکومت مرکزی در قالب موافقت‌نامه‌های تقسیم درآمد و خودمختاری مدیریت‌شده و وضعیتی از بازی با حاصل جمع مثبت و مضاعف بین جدایی‌طلبان و دولت مرکزی حاکم است، اما فرقه‌گرایی که می‌توان آن را در قالب بازی با حاصل جمع صفر تعبیر کرد، در اتحادیه عرب وضعیتی را رقم زده است که در بیشتر موارد به نسبت‌های متفاوت، توان حکومت مرکزی نه‌تنها صرف مقابله با جهت‌گیری‌های مختلف، بلکه صرف مقابله با رویکردهای متفاوت دولتی نسبت به مسائل مورد چالش در این



سازمان می‌شود. این مسئله نه تنها توان تصمیم‌های کارآمد را از میان می‌برد، بلکه یکپارچگی در برابر چالش‌هایی مهم‌تر را به حداقل ممکن می‌رساند. در اتحادیه عرب باید برای تعمیق منطقه‌گرایی توجه شود که اعضا باید از جهت‌گیری متعصبانه پرهیز کنند که عاملی در ایجاد بازی با حاصل جمع صفر است و با توجه به ارزش‌های مشترک خود به ارزش‌سازی چندبعدی و در حوزه‌های مختلف همت گمارند تا از این راه شرایط همکاری‌های آینده را فراهم کنند. الگوبرداری از سه اجتماع تخصصی آسه‌آن نیز نه تنها می‌تواند سازوکار برخورد مؤثرتر با رخدادهای ایجاد کند، بلکه می‌تواند پیش‌زمینه‌ی جلوگیری از بحران شدید و حتی تخفیف آن‌ها در صورت لزوم باشد.



Refrence

1. Aditi Bhaduri (2004). Arab League Turns on Itself. Asia Times Online. <http://antiwar.printthis.clikability.com/pt/cpt?action=cpt&title=Arab+League+Turns+On+Itself.html> (accessed 23 Feb 09), p. 1.
2. Ahmed Galal, Bernard M Hoekman (2003) Arab Economic Integration: between hope and reality, Washington D.C.: Brookings Institution Press.
3. Allaf, Rime (2008). The Arab Summit: Success Measured by Attendance. Saudi-US Relations Information Service. <http://www.saudi-us-relations.org/articles/2008/ioi/080320-summit-allaf.html> (accessed 25 Jan 09), p. 2.
4. ASEAN Secretariat. (2005). "ASEAN Economic Community (AEC): Chartbook", Jakarta : ASEAN Secretariat.
5. ASEAN Secretariat. (2017). "ASEAN Trade and Investment 1967-2016", Jakarta : ASEAN Secretariat.
6. ASEAN Secretariat. (2018). "ASEAN Economic Community (AEC): Chartbook", Jakarta : ASEAN Secretariat.
7. ASEAN Secretariat. (2020). "ASEAN Key Figures 2020", Jakarta : ASEAN Secretariat.
8. ASEANStats (2020). "International Merchandise Trade Statistics (IMTS)", available at: <https://data.aseanstats.org/>
9. Assessing Arab Economic Integration: Towards the Arab Customs Union, Economic and Social Commission for Western Asia (ESCWA) United Nations Beirut.
10. Bakhshi Telyabi, R., Adami, A. (2013). "Arab League Approach to Syria crisis". Political and International Science, 2(2), 1-18]In Persian[.
11. BBC (2011). Timeline: Arab League, available at: BBC News -



Timeline: Arab League.

12. Beck, Martin (2015). "The End of Regional Middle Eastern Exceptionalism? The Arab League and the Gulf Cooperation Council after the Arab Uprisings", *Democracy and Security*, Vol. 11, No. 2, Pp. 190-207.

13. Bozorgmehri, M., Sahrayi, T. (2015). "Arab League Positions for the Arab Spring; The Dual and Contradictory Positions". *Political and International Approaches*, 7(2), 124-155]In Persian[.

14. Cam McGrath (2004). *Arab League Failing over Darfur*, available at: [Arab League Failing over Darfur \(globalpolicy.org\)](http://Arab League Failing over Darfur (globalpolicy.org)).

15. Cooper, Richard N. (1972). "Economic Interdependence and Foreign Policy in the Seventies", *World Politics*, Vol. 24, No. 2, 159-181.

16. Cris E. Toffolo Peggy Kahn 2008 *The Arab League* New York: Infobase Publishing.

17. Czechowska, Lucyna; Tyushka, Andriy; Domachowska, Agata; Gawron-Tabor, Karolina & Piechowiak-Lamparska, Joanna (2019). *States, International Organizations and Strategic Partnerships, UK and USA*: Edward Elgar Publishing.

18. Debre, M. J. (2020). Legitimation, Regime Survival, and Shifting Alliances in the Arab League: Explaining sanction politics during the Arab Spring. *International Political Science Review*. <https://doi.org/10.1177/0192512120937749>

19. Deutsch, K.W. (1957). *Political Community and the North Atlantic Area*, Princeton, NJ: Princeton University Press.

20. Diez, Thomas. Bode, Ingvild & da Costa, Aleksandra Fernandes (2011). *Key Concepts in International Relations*. London: SAGE Publication.



21. Dmitry Maryasis (2019). *Economic Integration in the Middle East: Problems and Prospects*, Moscow: The Foundation for Development and Support.
22. Dosch, Jorn (2017). “The ASEAN Economic Community: Deep Integration or Just Political Window Dressing?”, *Institute for East Asian Studies*, Vol. 5, No. 1, Pp. 25–47.
23. Drysdale, Peter (2017). “ASEAN: The Experiment in Open Regionalism that Succeeded”, In: *ASEAN@50: The ASEAN Economic Community into 2025 and Beyond*, Vol. 5, Edited by Rebecca Sta. Maria, Shujiro Urata, & Ponciano S. Intal, Jr. Economic Research Institute for ASEAN and East Asia (ERIA).
24. Dupont, Alan (2000). “ASEAN’s Response to the East Timor Crisis”, *Australian Journal of International Affairs*, Vol. 54, No. 2, 163–170, DOI: 10.1080/713613510
25. Elisabeth Johansson-Nogués (2020). “The Organization of Islamic Cooperation and the Arab League”, in: *Group Politics in UN Multilateralism*, (eds.) Karen Smith and Katie Laatikainen, Netherlands: Koninklijke Brill NV.
26. El-Naggar, Said (1992). *Foreign and Intra-Trade Policies of the Arab Countries*, Washington D.C.: International Monetary Fund.
27. Emmanuel Adler and Michael Barnett (2000). *Security Communities*, Cambridge: Cambridge University Press.
28. Etzioni, A. (1965). *Political Unification: A Comparative Study of Leaders and Forces*, New York: Holt Rinehart and Winston.
29. Farah Dakhllallah (2012) *The League of Arab States and Regional Security: Towards an Arab Security Community?* *British Journal of Middle Eastern Studies*, Vol. 39, No. 3, pp. 393–412, DOI: 10.1080/13530194.2012.726489



30. Hapsari, Indira M; Mangunsong, Carlos. (2006). Determinants of AFTA Members' Trade Flows and Potential for Trade Diversion. The Asia-Pacific Research and Training Network on Trade (ARTNeT), Working Paper Series, No. 21, 1-28.
31. Harb, G., & Shady, N. A. (2016). Arab Trade Dynamics after the Implementation of the Pan Arab Free Trade Area (1998–2012), *Review of Middle East Economics and Finance*, 12(1), 1-29. doi: <https://doi.org/10.1515/rmeef-2015-0041>
32. Heba Saleh. (2005). Summits that Showcase Arab Disunity. BBC News. http://newsvote.bbc.co.uk/mpapps/pagetools/print/news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/43765.html (accessed 10 Feb 09), p. 2.
33. Jetin, Bruno & Mikic, Mia (2016). ASEAN Economic Community: a Model for Asia-Wide Regional Integration? Palgrave Macmillan, Basingstoke: UK.
34. Jetschke, Anja & Murray, Philomena (2012). "Diffusing Regional Integration: The EU and Southeast Asia", *West European Politics*, Vol. 35, No. 1, pp. 174-191.
35. Joseph Mayton. (2008). Is the Arab League Still Viable? *Middle East Times?* http://www.metimes.com/International/2008/03/12/is_the_arab_league_still_viable/1219.html (accessed 25 Jan 09), p. 2.
36. Kawai, Masahiro. (2005). "East Asian Economic Regionalism: Progress and Challenges", *Journal of Asian Economics*, 16, pp. 29-55.
37. Keohane, Robert O (1984). *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. New Jersey: Princeton University Press.
38. Keohane, Robert O; Nye, Joseph (2012). *Power and Interdependence*, 4 editions. Boston: Longman - Pearson Classics in Political Science.
39. Kobayashi, Kiyoshi; Abdul Rashid, Khairuddin; Furuichi, Masahiko & Anderson, William P. (2018). *Economic Integration and*



Regional Development: the ASEAN Economic Community, New York: Routledge

40. Morada, Noel M. (2016A). “Southeast Asian Regionalism, Norm Promotion and Capacity Building for Human Protection: An Overview”, *Global Responsibility to Protect*, Vol. 8, pp. 111-132.

41. Morada, Noel M. (2016B). “Southeast Asian Regionalism, Norm Promotion and Capacity Building for Human Protection: An Overview” in: *Regionalism and Human Protection: Reflections from Southeast Asia and Africa*, edited by Charles T. Hunt & Noel M. Morada, 7-28, Netherlands: Brill Nijhoff.

42. Niemann, Arne (2007). “Regime Theory” in: *Encyclopedia of Governance*, Mark Bevir, California: SAGE Publications.

43. Parks, Thomas; Maramis, Larry; Sunchindah, Apichai & Wongwatanakul, Weranuch (2018). “ASEAN as the Architect for Regional Development Cooperation Advancing ASEAN Centrality & Catalyzing Action for Sustainable Development”, California: The Asian Foundation.

44. Paul Aarts (1999) *The Middle East: A Region without Regionalism or the End of Exceptionalism?* *Third World Quarterly*, Vol. 20, No. 5, 911-925, DOI: 10.1080/01436599913406

45. Pinfari, Marco (2009). “Nothing but Failure? The Arab League and the Gulf Cooperation Council as Mediators in Middle Eastern Conflicts”, Crisis States Research Centre, Working Paper no. 45.

46. Ramezani, A., Sabbaghian, A. (2020). “A Comparative Study of Regionalism in ASEAN and the Persian Gulf Cooperation Council”. *World Politics*, 9(1), 189-226]In Persian[. doi: 10.22124/wp.2020.15823.2432

47. Rosecrance, Richard; Alexandroff, A; Koehler, W; Kroll,



J; Laqueur, S & Stocker, J. (1977). “Whither Interdependence?”, *International Organization*, Vol. 31, No. 3, pp. 425–471.

48. Salma Fatima. (2007). *Failure of Arab League: Between Rational Choice Theory and Neo Functionalism*. *Middle Eastern Affairs*. http://middleeasternaffairs.suite101.com/article.cfm/failure_of_arab_league (accessed 30 Jan 09).

49. Sanae Suzuki (2019): Why is ASEAN not intrusive? Non-interference Meets State Strength, *Journal of Contemporary East Asia Studies*, DOI: 10.1080/24761028.2019.1681652

50. Sharifi, Afsaneh and Abedi, Mehdi (2009). “The Arab League: An Analysis of a Failure; Investigating the Internal and Structural Barriers to Arab Integration”, *Political and International Research*, No. 3, pp. 129-169.]In Persian[.

51. The World Bank. 2020. *World Development Indicators*. [ONLINE] Available at: <https://databank.worldbank.org/source/world-development-indicators> [Accessed 24 November 2020].

52. Tripp, Charles (1995), “Regional Organizations in the Arab Middle East”, in: Louise Fawcett and Andrew Hurrell, eds, *Regionalism in World Politics. Regional Organization and International Order*, Oxford, Oxford University Press, pp. 283-308.

53. United Nations (UN) (2017). *International Trade Statistics Yearbook 2017*, Vol. I: Trade by Country, New York: Department for Economic and Social Affairs.

54. Verbeek, Bertjan (2011). “Regime Theory in International Relations” in: *Encyclopedia of Power*, Keith Dowding, California: SAGE Publications.

55.



56. Comparison of Regionalism in ASEAN and the Arab League

57. Elaheh Koolaee, Professor, University of Tehran

58. Ahmad Ramezani, PhD. Student in Regional Studies at University of Tehran